



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۲۸

غلام حضرت

این یک امر بسیار عجیب و غیر منتظره نیست



بلی این یک امر بسیار عجیب و غیر منتظره و غیر واقع بینانه نیست که مثلاً: اعضای یک فامیل به شمول چند جوان با تجربه و نیرومند محله به دنبال یک مثلاً خر گمشده ملک قریه، اینطرف و آنطرف با عجله و با ذوق خاص می گردند و بعد از ساعت ها جست و جوی، یک کودک کودن و کم سن عضو این فامیل به جستجو گران بگویند که احتمالاً خر گمشده در فلان جا تشریف دارد. ممکن حدس این کودک صحیح از آب در آید و ممکن غلط اما نظریه این کودک باعث تحرک حس کنجکاوانه سایر جست و جو گران خواهد گردید و احتمالاً حدس این کودک منجر به ثمر دادن جست و جو و پیدا نمودن خر بیچاره خواهد گردید که البته در صورت عدم موفقیت، این کودک کودن به هیچوجه سزاوار سرزنش نخواهد بود و چه بسا چند لحظه با هم خواهند خندید که البته در صورت درست بودن حدس این کودک، نه خود کودک توقع نوازش و تحسین خواهد داشت و نه بزرگسالان و جوانان گروه، وقت خود را به تحسین کودک ضایع خواهند نمود، مهم این است که خر پیدا شود و مهم این است که در عدم توفیق یافتنش، اجماع نظر ایجاد شود.

عرض مختصری که خواهید خواند یک کمی ثقیل به نظر میرسد و پذیرفتن آن ثقیلتر: در این شکی نیست که برتانیه در عرض و طول و ژرفای دو صد سال بر منطقه پیرامونی ما و حتی کشور ما تسلط مستقیم و غیر مستقیم و مرئی و غیر مرئی داشته و حتی دارد.

یک بلای شیرین (به زعم خودش شیرین) به نام انقلاب اکتوبر در سرزمین روس به راه انداخت تا از پیشرفت سریع و همه جانبه ملت روس بکاهد. با درستی و نادرستی و حقانیت و عدم حقانیت تفکر اکتوبری کار نداریم فقط می خواهیم بگویم که به خاطر جلوگیری از تشهیر پدیده اکتوبر نیز تدابیر مقتضی روی دست گرفته شد.

کشور ما منحیث یک دیوار حائل بین شوروی و هند برتانوی قرار گرفت و به خاطر تحکیم مواضع ستراتیژیک خویش، نطفه خویش را در رحم بخشی از بدنه هند گذاشت و آنرا پاکستان نامید.

پاکستان از روز تولد تا به امروز منحیث پایگاه عملی شدن آمال و آرزوها و نقشه های برتانیه از اهمیت بسزای برخوردار می باشد.

دو مأموریت بسیار سنگین بر دوش پاکستان گذاشته شد:

- یک مأموریتش در یک فضا و ساحه بسیار وسیع در زیر بال و پر قدرت های بزرگ غربی (عمدتاً امریکا و انگلیس) انجام می گرفت که پروژه رویارویی با تهاجم شوروی و دفع این تهاجم یکی از این پروژه های مشترک بود البته در کنار آن، مهار هند و چین نیز قابل یاد آوری می باشد.
- مأموریت دوم و بسیار حساس و مهم پاکستان بردگی و غلامی و خدمت مشخص و علیحده فقط و فقط برای منافع انگلستان در نظر گرفته شده که در انجام و چگونگی و اهداف این مأموریت هیچ قدرت غربی دیگر هیچ گونه مشارکت ندارد و نه هم اجازه مشارکت به دیگران داده می شود، حوزه این مأموریت فعلاً فقط و فقط همین کشور ما، افغانستان است.

بیست سال پیش زمانی که طالب موفق به استیلا و اشغال کشور ما افغانستان شد، برتانیه از فرط خوشی پر کشید و مصروف عملی نمودن برنامه های بعدی گردید، امریکا به نقشه شوم و ناجوانمردانه برتانیه (البته ناجوانمردی از جنس قمار بازان و دزدان دریائی) پی برد و با کشیدن نقشه مخصوص خودش، دست مأمور صاحب گمرک (طالب، پیاده نظام انگلیس) را از سرزمین ما کوتاه نمود که نیاز به تشریح سناریوهای بعدی نیست و همه ما شاهد آن بودیم و هستیم.

ادامه قصه تلخ:

انگلستان که استاد و متخصص به راه انداختن بازی های بسیار پیچیده و مرموز می باشد باز هم آرام نه نشسته و به بازی خود (این بار با لجابت و گستاخی و جسارت تام) دُکمه پروژه نوین و بسیار خطرناک را فشار داد و اینک با قبولاندن کمیشن بیست و یک فیصدی به همکار چینی خود، به راندن و پریدن آرزوهای برادر ناتنی خویش (امریکا جان) به موفقیت خویش امیدوارتر گردیده.

اگر غیر از این است پس بسیاری از ما خدا و شاه و فرمانده و معبود و معشوق خویش را فقط تعقل و تفکر می پنداریم بناً:

بیائید فقط یک دفعه آدرس و شماره تلفون عقول خویش را یافته و به این عقل نازنین خود زنگ بزنیم و فقط یک سؤال بسیار ساده مطرح کنیم و از ایشان بپرسیم:

جناب آقای تعقل یا عقل یا فکر یا اغای گل!

{اینجا در کوچه ما یک نفر است (مربوط به جهان سووم، بمب اتوم دارد ولی برق ندارد، با یک دنیا مشکلات عدیده مواجه می باشد) اما دست به کار هایی می زند که والی و رئیس امنیه شهر ما از دستش احساس نا آرامی و حتی احساس ضعف می کند.

آغاگل جان!

لطفاً بفرمائید رمز جسارت این کاکه پای لُج و بدماش و بی پدر و بی مادر در چیست؟

جواب خواهیم شنید، عجیب سؤال پیش پا افتاده،

کسیکه پدر خوانده اش دو صد سال خانونال و سناتور بوده و هست و والی و رئیس امنیه نیز با مشورت وی مقرر می شود چرا نباید جرئت این بدماشی های مزدورانه را نداشته باشد.

به هر حال، عقل سلیم این را نمی پذیرد که پاکستان با این قیافه قریح و ریش و لباس چرکینش در مقابل دفتر کار شاه زمانه اینگونه حرکات جسورانه و حتی دشمنانه به نمایش بگذارد! الا اینکه یک شاه دیگر و قدرت دیگر به عنوان پشتیبان مطمئن در عقبش قرار نداشته باشد.

اما چاره بیرون رفت از این حالت رقت بار و رفع ترس بازگشت ابرهای تیره و تار چیست؟
نمیدانیم.

از یک کودک کودن شنیدم که گفت:

صد نفر از اشخاص مُسن و با تجربه و درگیر در بازی های پلید پرپروز و دیروز و امروز یعنی متشکل از خلقی و پرچمی و شعله ای و اخوانی و افغان ملتی و ستمی و پشتون و تاجک و هزاره و ازبک و . . . با زور و با جسارت و یا با اجازتِ سفرای پنج کشور استعمارگر جهان و کشور های همسایه به شمول کشور گاو پرور هند، داخل سفارت شان شده و فقط از آنها خواهان لیست فرمایشات شان شود و در صورت امکان یک جلسه و گردهمایی مشترک با سفرای کشور های درگیر در معضله ما، تدارک ببینند و با یک تسویه دهاتی و ساده سهم هر کدام شان (حضور مفید) مشخص کنند و یک فورمول معقول را اجراج کند که منافع مشروع همه کشور های دیدخل در آن مشخص و تأمین امنیت جانی و اقتصادی و فرهنگی افغان ها نیز در حضور تمام سفراء تضمین شود.

در آخر به عنوان اظهار درد دل:

افغان ها شریف ترین موجودات روی زمین اند، البته همه مظلومان جهان شریف اند.

اما رمز شرافت افغان ها در این است که منحیث متصدی لابراتوار آزمایش دقیق کیفیت دوستی ورزیدن همه ایزم های متمدن جهان، ایفای وظیفه نموده هر چند این وظیفه توأم بود و است با تقیل سنگین ترین تاوان معاملات بشری امروزی جهان.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

این یک امر بسیار عجیب و غیر منتظره نیست

[G_hazrat_amr_ajib_wa_ghayr_montazera.pdf](#)